

# خاندان سنمار معماران سنتی اصفهان

سید مهدی سجادی نائینی

با اضمحلال سلسله صفویه و تسلط افغانان بر ایران و سقوط شهر شکوهمند و کم نظیر اصفهان هنر متعالی آن سلسله دچار تزلزل شد. پس از روی کار آمدن افشاریه و حکومت‌های بعد از آن دولتهای ضعیف که مدام در حال جنگ و جدال بر سر قدرت بودند توان احیای مجدد آن را نداشتند یا چنین فهمی را در اندیشه نمی‌پروردند.

بدین سبب از شکوفایی هنر عصر صفویان (زمان شاه عباس اول و پایتختی اصفهان) تا دوره قاجاریه اکثر هنرهایی که در اصفهان به تعالی رسیدند دچار افول شدند. هنر معماری نیز در سرانجام سقوط قرار گرفت.

در این مدت، نه استادکاران تشویقی دیدند و نه دولتمردان به فکر خلق آثار پرداختند، بنابراین زمینه‌ای وجود نداشت تا معماران و استادکاران تجربه‌هایشان را به صورت عملی به نسلهای پس از خود انتقال دهند. با مطالعه تاریخ معماری این سلسله مشخص می‌شود که معماری در طی حکومت این دودمان در سلطنت فتحعلیشاه (۱۲۱۰ تا ۱۲۵۰ ق) و ناصرالدین شاه (۱۲۶۳ تا ۱۳۱۳ ق) خلاصه می‌شود.

در دوره چهل ساله سلطنت فتحعلیشاه، ساخت و سازهای مذهبی مورد توجه قرار گرفت به طوری که از پنج مسجد بزرگ شاه عصر قاجار، چهار مسجد در این ۴۰ سال ساخته شد. در حالیکه در زمان ناصرالدین شاه تزئین بناها بیشتر مورد توجه قرار گرفت و ساخت مناره نیز پس از چندین دهه دوباره آغاز گشت. در چنین رکود و افولی، تخریبهایی که در دوران حکومت (مسعود میرزای

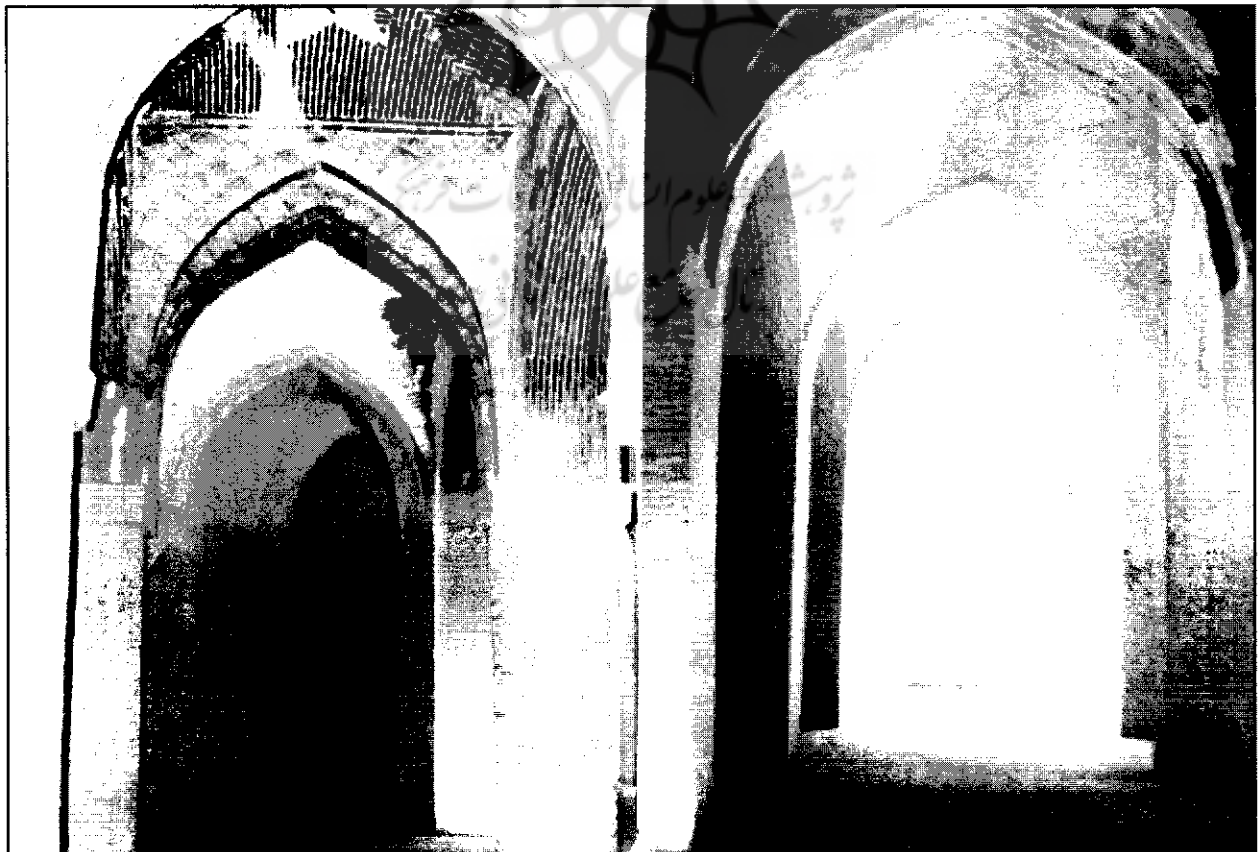
ظل السلطان) در اصفهان انجام شد خود عامل مهم دیگری بود که بناهای باشکوه اصفهان در خطر زوال و نابودی قرار گیرد.

این شاهزاده خونریز و سفاک (ظل السلطان) در ۳۵ سال حکومت خود بر اصفهان (۱۲۹۱ تا ۱۳۲۵ ق) نسبت به عمارات عصر صفویه چنان جنایتی کرد که اکثر محققان و پژوهشگران و سیاحان خارجی از آن یاد کرده و بسیاری از آنها همچون مادام دیولافوا و هانری رنه آلمانی با تأثر و تأسف آنچه را دیده‌اند در کتابهایشان نوشته‌اند. او علاوه بر تخریب کاخهای با شکوه "سعادت آباد" و هفت دست و آیینه خانه درختان سر به فلک کشیده چهار باغ را نیز قطع کرد؛ بطوریکه زیبایی این خیابان که در آن روزگار زیانزد بود به یکباره از میان رفت.

در چنین روزگاری برخی از معماران و هنرمندان اصفهان توانستند با مرمت برخی از بناها یا احداث عماراتی جدید آثاری بوجود آورند که تا حدی شکوه و عظمت عصر صفویان را در اذهان زنده گرداند.

خاندان سنّمار یکی از دودمانهای این شهر هستند که با

این شاهزاده خونریز و سفاک (ظل السلطان) در ۳۵ سال حکومت خود بر اصفهان (۱۲۹۱ تا ۱۳۲۵ ق) نسبت به عمارات عصر صفویه چنان جنایتی کرد که اکثر محققان و پژوهشگران و سیاحان خارجی از آن یاد کرده و بسیاری از آنها همچون مادام دیولافوا و هانری رنه آلمانی با تأثر و تأسف آنچه را دیده‌اند در کتابهایشان نوشته‌اند.



احداث آثاری همچون مسجد رکن الملک و مرمت بناهایی مانند گنبد مسجد امام و کاخ عالی قابو نام خود را در بین هنردوستان و دوستداران شهر تاریخی اصفهان مخلدن ساخته‌اند. سنمارها هنگامی در اصفهان شروع به کار کردند که نفوذ معماری اروپایی و تقلید از غرب آثار اصفهان را در خطر جدی قرار داده بود.

به‌طور کلی انتخاب نام سنمار برای کسانی که در معماری فعالیت می‌کنند ریشه تاریخی دارد.

عبارت جزاء سنمار در ادبیات عرب مثل سائری است که بر حق ناشناسی و ناسپاسی اطلاق می‌شود. شرف الدین رامپوری در فرهنگ غیاث اللغات در ذیل کلمه 'سنمار' می‌نویسد: «... نعمان بن منذر یکی از ملوک عرب معماری به نام سنمار را مأمور کرد تا قصری برای بهرام گور ساسانی بسازد. پس از اتمام قصر که شکوه و جلال آن چشمها را خیره می‌کرد نعمان از بیم آنکه مبدا سنمار قصر دیگری با این خصوصیات بسازد دستور داد سنمار را از فراز آن کاخ رفیع به زیر انداختند تا برای این عمارت رقیب احتمالی به‌وجود نیاید.»

به‌رحال در شهر اصفهان ده‌ها سال است سنمارها به مرمت بناهای تاریخی مشغول بوده‌اند و هر یک شاهکارهای بسیاری را از زوال نجات داده‌اند و آثاری بی‌بدیل احداث کرده‌اند.

بزرگ خاندان سنمار استاد اسماعیل است. استاد اسماعیل در زمان خود بزرگ‌ترین و بهترین معمار اصفهان بود. در آن روزگار استاد اسماعیل که علاقه بی‌حدی به آثار دوران صفویه داشت معماران و بنایان اصفهان را به ادامه راه آنان تشویق می‌کرد و از هیچ کوششی برای حفظ بناهای اصفهان فروگزاری نمی‌نمود.

از آثار وی مجموعه مسجد و مدرسه و آب انبار رکن الملک است که در تخت فولاد اصفهان واقع شده است. بانی این اثر میرزا سلیمان خان شیرازی ملقب به رکن الملک است که از رجال نیک‌نام و موجه دوران قاجاریه به‌شمار می‌رود.

متأسفانه با همه جست‌وجوها و مراجعات مکرر به استادکاران و استادان فن جز مجموعه 'رکن الملک' اثر دیگری از استاد اسماعیل شناسایی نشد.

استاد غلامحسین سنمار، داماد و شاگرد استاد اسماعیل، معمار مشهور و برجسته اصفهان، که از کودکی در کنار او بوده است دقیقاً به راه او رفته است؛ به‌طوری که با مطالعه آثار او می‌توان به رمز و رازهای کار استاد اسماعیل نیز واقف شد. برای تهیه شرح حال و آگاهی از آثار استاد غلامحسین با نوه دختری او که در سنین بالای ۷۰ سال است گفتگویی طولانی انجام گرفت. آقای اکبر سنمار وکیل دادگستری و ساکن تهران است و به دلیل علاقه‌ای که به زادگاهش دارد دقیقاً آثار و احوال جدش را پیگیری کرده و کلیه اصطلاحات معماری سنتی را جمع‌آوری نموده است. بنا به تحقیقات استادکاران اصفهان از جمله استاد حسین معارفی که گفته‌های آقای اکبر سنمار را تأیید می‌کند. مرحوم استاد غلامحسین سنمار در حدود ۱۲۳۰ ش در اصفهان به دنیا آمد. از کودکی در خدمت استاد اسماعیل سنمار با رموز معماری سنتی آشنا شد. از همان آغاز کار علاقه و عشق بسیاری به بناهای تاریخی اصفهان پیدا کرد. این علاقه که با استعداد خدادادی همراه بود باعث شد تا غلامحسین در همان سنین نوجوانی بسیاری از دقائق و ظرائف معماری را فرا بگیرد و نظریات صائب و سازنده‌ای ابراز کند. پس از مدتی با دختر استاد اسماعیل ازدواج کرد. غلامحسین پس از آن که داماد استادش شد از او اجازه گرفت تا به تنهایی خانه‌ای برای خود بسازد. در حقیقت او می‌خواست به این وسیله در کار مستقل شود و استاد این اجازه را به او داد. غلامحسین قطعه زمینی در خیابان نشاط اصفهان تهیه کرد و خانه بسیار زیبایی احداث نمود. کلیه کارهای مربوط به طرح و نقشه و معماری این بنا را شخصاً انجام داد. پس از اتمام خانه اکثر استادکاران اصفهان کار او را تأیید کردند و او را به عنوان استاد غلامحسین معمار به رسمیت شناختند.

در آن روزگار مرحوم استاد حسین معارفی هم زمان با کار در آموزش و پرورش (معارف آن زمان) و ساخت مدارس و تجهیز برخی بناهای قدیمی برای کاربری‌های آموزشی، بناهای اصفهان را نیز مرمت می‌کرد. انجمن آثار ملی نیز به عنوان یک نهاد نوپا در اصفهان شروع به فعالیت کرده بود. در این هنگام که استاد غلامحسین با ساخت خانه‌ای مجهز و کامل معروف‌تر شده بود از طرف استاد

معارفی به همکاری دعوت شد. استاد غلامحسین از این دعوت استقبال کرد و زیر نظر معارفی کار با معارف را شروع کرد.

اولین کار آن مرحوم ساخت دبیرستان سعدی اصفهان بود. پس از اتمام دبیرستان سعدی که کلیه کارهای آن زیر نظر مرحوم معارفی انجام می‌شد نام استاد غلامحسین به عنوان معماری با استعداد و آگاه در اصفهان بر سر زبانها افتاد. از آن پس در معماری کلیه بناهای اصفهان و برخی شهرهای کشورمان حضور فعال داشت. به یقین ذکر جزئیات اقدامات استاد غلامحسین سخن را به درازا خواهد برد. بنابراین با اختصار به پاره‌ای از کارهای نمایان و شاخص او بسنده می‌کنم:

- از کارهای مهم استاد غلامحسین رفع خطر از گنبد مسجد امام است. در این روزگار شکافی که در گنبد مسجد ایجاد شده بود همه دست‌اندازان بناهای تاریخی را نگران کرده بود (جزئیات این امر در شرح حال مرحوم معارفی بیان شده است) و استاد غلامحسین برای حل این مشکل پیشنهاد کرد کلاف آهنی به شکل کمربند بدور گنبد کشیده شود. این کلاف از کشور بلژیک تهیه شد و پس از ۹ سال کار مداوم این مشکل حل شد. پروفیسور پوپ از کلیه مراحل کار بازدید کرد و طرز عمل استاد غلامحسین را تأیید کرد.

- استحکام بخشی کاخ عالی قاپو - مرمت عمارت چهلستون و مسجد شیخ لطف الله و مرمت تکیه میر در تخت فولاد از دیگر کارهای استاد غلامحسین است که همه آنها مورد تأیید انجمن آثار ملی قرار گرفته است.

- گنبد مقبره بابا قاسم - گنبد تکیه بابا رکن الدین - گنبد هارون ولایت - حمام خسرو آغا (که چندی پیش به کل تخریب شد) از کارهای نمایان استاد غلامحسین است.

در آن روزگار مسئولان اداره باستان‌شناسی اصفهان تصمیم گرفته بودند در میدان نقش جهان تغییراتی دهند و آن را به وضع فعلی درآوردند. مرحوم معارفی این کار را به عهده استاد غلامحسین گذاشت. در همین زمان، استحکام بخشی سقف بازارهای اطراف میدان نیز به استاد غلامحسین محول شد. کار در این بازارها و روشی که برای سقف زنی انتخاب شده بود سالها بعد مورد تأیید کارشناسان ایران و خارج قرار گرفت.

در خارج از اصفهان نیز استاد غلامحسین مرمت‌های اساسی انجام داد و در چند شهر مساجدی احداث کرد.

مرحوم استاد غلامحسین با اداره باستان‌شناسی آن زمان همکاری نزدیک داشت و لحظه‌ای از مرحوم معارفی جدا نمی‌شد. اما هرگز عضو ثابت این اداره نشد. مرحوم استاد غلامحسین ۱۰ فرزند داشت که از شش پسر او ۵ نفر به راه او رفتند: استاد هاشم، استاد رجبعلی، استاد ابوالقاسم، استاد محمود معروف به بنا، و استاد احمد. استاد هاشم و استاد رجبعلی و استاد ابوالقاسم از شروع کار در کنار پدر بودند و در تمام مرمتها و ساخت و سازها با او همکاری داشتند. در حقیقت آنها تمام تجارب پدر را پس از او در کارهایشان به کار بردند و چنان که خواهم دید توانستند خدمات بسیاری به میراث‌های فرهنگی انجام دهند. استاد محمود و استاد احمد مستقلاً به کار بنایی پرداختند و از معماران معروف زمان خود شدند.

فرزند دیگر او استاد رمضانعلی معروف به ذوفن است. مرحوم رمضانعلی ذوفن از نوجوانی به قلمزنی علاقه‌مند شد و به شاگردی مرحوم حاج محمد تقی ذوفن در آمد و به دلیل علاقه و ارادت به استاد نام خانوادگی خود را به (ذوفن) تغییر داد.

چنان که در آغاز سخن اشاره کردیم یکی از دختران مرحوم سنمار، مادر آقا اکبر سنمار است اکبر سنمار با آنکه سالها به شغل تدریس اشتغال داشته و پس از آن نیز به قضاوت و وکالت دادگستری پرداخته کلیه اصطلاحات معماری سنتی را جمع آوری کرده است و کاربرد هر یک از آنها را بخوبی می‌داند. او با آنکه سالها از زادگاه خود دور بوده است اما کلیه بناهای تاریخی اصفهان را همچون کارشناسی آگاه و با تجربه می‌شناسد و کار آنها و همه نکات مربوط به آنها را می‌داند.

مرحوم استاد غلامحسین از بهترین معماران و استادکاران اصفهان بود که توانست در طی حیات پربارش، علاوه بر مرمت بسیاری از آثار شاخص و مهم اصفهان شاگردانی مستعد و آگاه تربیت کند که از همه معروف تر سه پسر او هستند که مستقلاً تجارب او را مورد استفاده قرار دادند و دو دیگر نیز در کار بنایی تا آنجا که توانستند از نفوذ انگوهای غربی در بناهایی که می‌ساختند خودداری کردند.

وقتی استاد هاشم به ۸ سالگی رسید تصمیم گرفت او نیز به راه پدر و جد دایمها برود. بنابراین رسماً شاگرد پدر شد. استاد هاشم از همان آغاز کار استعداد شگرف خود را نشان داد. به طوری که پیشرفت و فراگیری وی همگان را حیرت زده می کرد. علت نیز علاوه بر استعداد و علاقه، استادان متعددی بودند که احاطه اش کرده بودند و همه نیز به خاطر قربات و خویشاوندی آنچه می دانستند از او مضایقه نمی کردند. آقای اکبر سنمار نوه استاد اسماعیل و خواهرزاده استاد هاشم می گوید استاد هاشم در اندک زمانی بر پدر



پیشی گرفت و در نوجوانی و جوانی استاد کاری توانا و برجسته شد. اما هرگز این استادی و دانسته ها را به خوبی بروز نمی داد. استاد هاشم و دو برادر دیگرش تا پدر در قید حیات بود برای حفظ احترام او حتی در اظهار نظرها نیز به گونه ای رفتار می کردند که احترام پدر محفوظ بماند.

استاد هاشم چنان به بناهای تاریخی علاقه مند شده بود که حتی بازی های کودکانه اش نیز به نوعی با آثار اصفهان مربوط بود. ۱۰ تا ۱۸ سالگی استاد هاشم مصادف با زمانی بود که استاد غلامحسین در مسجد جامع کار می کرد. کار در این اثر باشکوه او را با کلیه رموز کار آشنا کرد؛ به طوری که وقتی به ۱۸ سالگی رسید همه استادکاران با صراحت او را بر پدرش ترجیح می دادند. اما این ستایشها هرگز او را مغرور نمی کرد.

در این هنگام استاد هاشم در تعمیر گنبد مسجد شاه (مسجد امام) در کنار پدر و سایر استادان قرار گرفت. از اینجا ابتکارات و خلاقیت های استاد هاشم شروع شد. این مطلب را هم استادان و استادکاران تأیید می کنند. از مهارت های او کار بر سقف های بلند بود که در آن زمان به دلیل عدم وسائل ایمنی

استاد هاشم فرزند ارشد استاد عبدالحسین سنمار است. استاد هاشم نوه دختری استاد اسماعیل سنمار است. علاوه بر آن دو دایی او استاد حسنعلی و استاد حسینعلی نیز از استادان مشهور معماری در زمان خود بودند که از کودکی دقایق و نکات معماری سنتی را از پدرشان استاد عبدالحسین آموخته بودند. دوران کودکی استاد هاشم مصادف با زمانی بود که این بزرگان در اصفهان مشغول به ساخت و ساز و مرمت بودند.

**خاندان سنمار یکی از دودمانهای این شهر هستند که با احداث آثاری همچون مسجد رکن الملک و مرمت بناهایی مانند گنبد مسجد امام و کاخ عالی قاپو نام خود را در بین هنردوستان و دوستداران شهر تاریخی اصفهان مخلد ساخته اند.**

استاد هاشم، دو سال با استاد حسین معارفی اختلاف سن داشت. در شرح حال مرحوم معارفی گفتیم که او خواهرزاده مرحومین معتمد البناء و استاد اسماعیل بوده است، و چون این دو از معماران بلند آوازه اصفهان بوده اند قطعاً استاد اسماعیل دایی استاد معارفی همان پدر بزرگ استاد هاشم است که استاد غلامحسین پدر او را به دامادی پذیرفته است. این نکته هنگامی قطعیت پیدا می کند که بدانیم مرحوم معارفی در ابتدا نام خانوادگی معتمدی را برای خود انتخاب کرده بود و بازماندگان استاد اسماعیل شهرت سنمار، را برای خود برگزیدند.

به هر حال، این مطلب مربوط به بحث ما نیست و تنها به این دلیل ذکر شد که بدانیم استاد هاشم و مرحوم معارفی با هم و در کنار هم و در یک خانواده و دودمان رموز و دقایق معماری را فرا گرفته اند.

استاد هاشم دوران کودکی را در حانی گذارید که پدر او در کنار جدش استاد اسماعیل و دایی هایش هر روز به بناهای تاریخی می رفتند و در اوقات فراغت نیز درباره مسائل مربوط به بنایی و معماری مذاکره و گفتگو می کردند.

کافی بسیار خطرناک بود. از دیگر تخصصهای او بازسازی و مرمت حمامها و مساجد قدیمی بود. استاد هاشم عقیده داشت احیای مساجد و حمامهای قدیمی باقیات الصالحات است بهمین دلیل بیشتر اوقات او در روستاها می‌گذشت. بسیاری از مساجد قدیمی روستاهایی همچون "سین" و "گز" برخوردار یادگار او هستند. آن مرحوم چوب را با کمک آجر و گچ به نوعی بالا بر (جک) تبدیل می‌کرد و دیوارهای مساجد را بالا می‌برد. آنگاه دیوار را از پایین به بالا می‌ساخت (اکبر سنمار می‌گوید خود در طفولیت بارها شاهد بوده است که این نوع کار را دایی اش استاد هاشم انجام می‌داده است).

اکبر سنمار با مراجعه به سوابق خانوادگی و ملاحظه برخی تصاویر که باقیمانده‌اند مرمت‌ها و ساخت وسازها را از استاد هاشم بخاطر می‌آورد که اسامی آنها عبارتند از:

- کلیه مساجد موجود در شهر اصفهان و اکثر قریب به اتفاق مساجد روستاهای اصفهان که به روش سنتی ساخته شده‌اند. علاوه بر آن کلیه مساجد مربوط به دوران سلجوقی و صفوی و قاجار را مرمت کرده است.

- طاقهای خانه‌های، این خانه به دلیل معماری خاص و جالبی که دارد به ثبت آثار تاریخی رسیده است و در حال حاضر به فرهنگستان اختصاص دارد (این خانه به لحاظ وجود خط نوشته‌هایی از پدر مرحوم استاد همایی شهرت دارد).

- سردر بازارچه بلند (مرحوم معارفی ساخت این سردر را از استاد هاشم درخواست کرد).

همانطور که گفتیم مرحوم معارفی و استاد هاشم، کار معماری را در یک زمان شروع کردند و از کودکی در کنار استادان به فراگیری رموز معماری مشغول شدند. ذکر این نکته نیز مناسب است که در آن زمان بازارچه بلند که از شاهکارهای معماری سالهای آخر حکومت صفویه بود به انبار تنباکو تبدیل شده بود و مسئولین امر برای مرمت آن اقدام نمی‌کردند. حتی موافق نبودند آن را به حال خود واگذارند. مرحوم معارفی به اتفاق استاد هاشم اهمیت بازارچه را از نظر مرمت و ارزشهای هنری و فرهنگی به مسئولین امر گوشزد کرد و پس از ماه‌ها تلاش توانست اعتباری بسیار ناچیز برای مرمت آن کسب کند. استاد هاشم مدت سه سال بطور مستمر در این بازارچه کار کرد و همه

غرفه‌ها را احیا نمود.

مرمت مدرسه مریم بیگم و حمام خسرو آغا از کارهای شاخص وی بودند. مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد جور جیر را نیز او مرمت کرد. کار نمایان استاد هاشم در مدرسه جور جیر تفکیک و جداسازی سردر مسجد - که از شاهکارهای عصر دیالمه بشمار می‌رود - از قسمتهای الحاقی بود.

در انتقال سردر مسجد قطبیه از خیابان جدید الاحداث خوش (که بعدها شاه و سپس طالقانی نام گرفت) به چهلستون در کنار دیگر معماران و استادان حضور فعال داشت. این کار عظیم که در حدود ۵۷ سال پیش انجام شد بعدها مورد تأیید همه مهندسان و کارشناسان و معماران قرار گرفت.

استاد هاشم شاگردان بسیار تربیت کرد که از همه معروف‌تر دو برادر او استاد رجبعلی و استاد ابوالقاسم و استاد مهدی پاک‌نژاد هستند. مرحوم استاد هاشم سنمار به مبانی مذهبی بسیار پای بند بود و در این کار نیز بی‌نهایت سختگیر بود.

از دیگر استادکاران مشهور این خانواده استاد رجبعلی سنمار است. استاد رجبعلی در سال ۱۲۸۴ ش در اصفهان به دنیا آمد. (آن مرحوم در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۶۹ سن خود را ۸۶ سال ذکر کرده است.) همانطور که در سطور گذشته دیدیم او نوه دختری مرحوم استاد اسماعیل سنمار معمار و طراح و سازنده مسجد رکن‌الملک است. پدر او نیز چنانکه دانستیم استاد غلامحسین سنمار بود. اما استاد رجبعلی بیشترین تأثیر را از برادرش استاد هاشم و استاد حسین معارفی، گرفته است.

هنگامی که استاد هاشم و استاد معارفی همزمان به شاگردی استادانی که نام بردیم درآمدند استاد رجبعلی هنوز متولد نشده بود. سنین کودکی استاد رجبعلی مصادف با زمانی است که استاد هاشم در نوجوانی با همه رموز کار آشنا شده بود و نام او به عنوان استاد بر سر زبانها افتاده بود. استاد رجبعلی در کنار برادر و پدر و استاد معارفی کار را شروع کرد. او همچون برادرش در نوجوانی با همه دقائق کار آشنا شده بود و هنگامی که به ۲۰ سالگی رسید همه معماران و استادکاران شهر او را استاد خطاب می‌کردند. اما

هرگز از پدر و برادر جدا نشد.

آنچه درباره این خانواده حائز اهمیت است اینکه استاد غلامحسین در کلیه مراحل کاری و در همه مرمتها در کنار سه پسرش بوده است. این همکاری تا زمان پیری استاد غلامحسین ادامه داشته و این سه برادر با آن که هر یک استادی ماهر و ورزیده بودند به احترام پدر همچون شاگردی با وی کار می کردند.

درباره شرح زندگی و کارهای استاد رجبعلی تا سال ۱۳۴۷ش که زمان ورود او به سازمان میراث فرهنگی (دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی آن زمان) است باید گفت در این مدت با پدر و برادر مشترکاً کار می کرده است. مرمت و ساخت و سازهای او را از این تاریخ به بعد ذکر می کنیم:

**... نعمان بن منذر یکی از ملوک عرب معماری به نام سنمار را مأمور کرد تا قصری برای بهرام گور ساسانی بسازد. پس از اتمام قصر که شکوه و جلال آن چشمها را خیره می کرد نعمان از بیم آنکه مبادا سنمار قصر دیگری با این خصوصیات بسازد دستور داد سنمار را از فراز آن کاخ رفیع به زیر انداختند تا برای این عمارت رقیب احتمالی به وجود نیاید.**

استاد رجبعلی در آغاز سال ۱۳۴۷ش با عنوان استاد کار ممتاز به استخدام وزارت فرهنگ و هنر وقت درآمده است. در آن دوران سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران در تهران به عنوان سازمانی موازی با اداره کل حفاظت آثار باستانی کار می کرد و شخصیت های موجهی همچون مرحوم دکتر مهران و محمد تقی مصطفوی و مهندس پیرنیا با آن همکاری می کردند. سابقاً این سازمان که فقط به امر تعمیر و مرمت بناها می پرداخت (و در حقیقت اهداف انجمن آثار ملی را دنبال می کرد) در مراکز استان دفتر فنی نامیده می شد. در سال ۱۳۴۷ش دکتر باقر آیت-الله زاده شیرازی رئیس دفتر فنی اصفهان بود و کارشناسانی همچون دکتر جبل عاملی و دکتر شاهکار و مهندس زمانی

نیز به تازگی همکاری خود را با آن شروع کرده بودند. در چنین حال و هوایی استادکاران بلند آوازه ای مانند استاد رضا و کیلی و استاد غلامرضا آقا ابراهیمان و استاد معارفی نیز برای مرمت بناها شب و روز در فعالیت بودند.

هنگامی که استاد رجبعلی به این سازمان آمد کاملاً با معماران و کارشناسان و مهندسان سازمان آشنا بود. زیرا سائها در کنار پدرش در همه بناها کار کرده بود.

استاد رجبعلی کارش را در عمارت چهلستون آغاز کرد. در این عمارت استاد رجبعلی از طرف پدرش مأمور شد تا بامها را مرمت کند و عملیات بالونک و لکه گیری این عمارت را انجام دهد. پس از پایان این کار، در مرمت سی و سه پل شرکت کرد. عملیات مرمتی سی و سه پل در سال ۱۳۴۷ش بوسیله کارشناسان ایرانی و با نظارت مؤسسه انجام شد و در حدود سه سال بطول انجامید.

برای آشنایی با دیگر کارهای او با همکاران وی (که در قید حیات هستند) گفتگو کردیم. از جمله این همکاران استاد مهدی پاک نژاد و استاد حسن عشاقی هستند. پس از گفتگو با این دو استادکار و مراجعه به پرونده های وی توانستیم حاصل کار و تلاش مداوم او را به این شرح (البته بدون ترتیب و توالی) به اطلاع برسانیم:

- مسجد آقا نور، کلیه خرابیهای این اثر نفیس عصر صفوی که در نتیجه بمباران دشمن بعثی در حال زوال بود بوسیله آن مرحوم مرمت شد.

- مدرسه چهارباغ، در این بنا استاد رجبعلی کاشیهای کتیبه های مدرسه را مرمت کرده است.

- مسجد امام (مسجد شاه)، مناره سمت راست این بنا که در حدود ۹۰ سال پیش در زمان اقبال الدوله بر اثر گلوله توپ صدمه دیده بود، با همان اسلوب مرمت و بازسازی گردید.

- مرمت و تعمیر تمامی کاشیهای مسجد شیخ لطف الله، استاد رجبعلی این کار را ۱۳۲۹ش انجام داده است.

استاد رجبعلی سنمار را در طاق زنی بی بدیل دانسته اند. اکثر کارشناسان و مهندسان ایرانی و خارجی به تبحر او در این امر اشاره کرده و کلیه طاقهایی را که بوسیله او احداث شده مورد تأیید قرار داده اند. برخی از این طاقها که هنوز نیز در زمرة بهترین نوع طاق زنی بشمار می روند عبارتند از: بازارهای اطراف میدان امام، بقعه سید السادات در گلپایگان و...

مرحوم استاد رجبعلی سواد کلاسیک و مدرسه‌ای نداشت اما کارشناسان و متخصصان در همه موارد از تجربیات او استفاده می‌کردند. حتی در بسیاری موارد او را در کمیته‌هایی که مهارت فنی کارگران را ارزیابی می‌کرد به عضویت انتخاب می‌کردند. در پرونده او چند ابلاغ بچشم می‌خورد که برای همین منظور به وی مأموریت داده شده است. استاد رجبعلی بارها مورد تشویق مقامات و ادارات و گروه‌ها قرار گرفت.

**آنچه درباره این خانواده حائز اهمیت است اینکه استاد غلامحسین در کلیه مراحل کاری و در همه مرمتها در کنار سه پسرش بوده است. این همکاری تا زمان پیری استاد غلامحسین ادامه داشته و این سه برادر با آن که هر یک استادی ماهر و ورزیده بودند به احترام پدر همچون شاگردی با وی کار می‌کردند.**

در واقعه راکت باران مسجد جامع عتیق و بازارهای مجاور آن در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۲ و انهدام محوطه‌ای در حدود ۲۰۰۰ متر مربع وشهادت شمار بسیاری از مردم بی‌گناه و کسبه بازار و آسیبهای جدی که در همان سال به مسجد حاج محمد جعفر آواده‌ای وارد شد استاد رجبعلی در کنار دیگر معماران با کار مداوم و شبانه‌روزی توانست این دو اثر نفیس را به بهترین نحو مرمت کند. در کتاب یادگی از میراث فرهنگی و جنگ تحمیلی این نکته دقیقاً تشریح شده است و مرمت این دو اثر مورد تأیید کلیه کارشناسان و متخصصان ایرانی و خارجی و مقامات کشوری قرار گرفت و به طرق مختلف از استاد رجبعلی تقدیر و تشویق شد.

استاد رجبعلی سنمار مسلمانی معتقد و پاک نهاد بود. او بسیار شوخ طبع و بذله‌گو بود اما هرگز با بذله‌هایش کسی را نمی‌رنجانید. حاضر جوابیهای او که گاه با ابیات زیبا توأم بود هنوز در بین همکارانش معروف است. مرحوم سنمار با مقامات دانشگاهی نیز همکاری می‌کرد و دانشجویان رشته‌های هنر پیوسته از وجود او استفاده

می‌کردند او در مصاحبه‌های تلویزیونی آنچه می‌دانست در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌داد.

در تاریخ ۱۳۷۵/۴/۳۰ اداره کل میراث فرهنگی اصفهان به موجب نامه‌ای که به استانداری اصفهان ارسال کرده استاد رجبعلی را به عنوان یکی از افرادی که در روند توسعه فرهنگی بعد از پیروزی انقلاب نقش مهم داشته معرفی کرده است. از جمله شاخصه‌هایی که در آن زمان برای او ذکر شده فعالیت مستمر، سابقه خلق آثار هنری، انتقال تجربیات به نسل بعدی، خلق آثار بدیع و منحصر به فرد، علاقه به آثار گذشتگان و موارث فرهنگی و نگهداری از آنها، بوده است.

استاد رجبعلی سنمار را می‌توان به‌حق وارث دانسته‌های جدش استاد اسماعیل و پدرش استاد عبدالرحسین نامید. او هنگامی به راه پدر هنرمندش رفت که معماری اروپایی همچون بیماری مهلکی به‌جان آثار تاریخی و خانه‌های قدیمی کشورمان افتاده بود و خانه‌های زیبا و هشتی‌های منظم و پنج‌دری‌های نفیس و باشکوه را به آپارتمانهای کوچک و دلگیری تبدیل کرده بود که از صفه‌های وسیع و بادگیرهای شکوهمند در آنها خبری نبود. در چنین اوضاع و احوالی خاندان سنمار به‌همراه بزرگان دیگری همچون مرحوم معارفی و معتمد البنا توانستند خدمات شایانی به آثار تاریخی این شهر کهنسال بنمایند. امید که سازمان‌های مسئول و ذیربط در بزرگداشت این هنرمندان متواضع و بی‌ادعا که در زمان حیات فقط به کارشان می‌اندیشیدند گام‌هایی بردارند.

### پی‌نوشت

۱- حاج میرزا سلیمان خان شیرازی ملقب به رکن الملک متولد ۱۲۵۴ ق از رجال نیک نفس و ادیب‌پرور اصفهان بود که در این شهر آثار خیری از خود به یادگار گذاشته است. وی در سال ۱۲۷۹ ق در مقام منشی ظل‌السلطان با او به شیراز رفت و از سال ۱۲۹۶ ق نیابت حکومت اصفهان را عهده‌دار شد و تا پایان حکومت ظل‌السلطان بر این سمت برقرار بود از اقدامات او تأسیس شرکت اسلامی و مجله اسلام است. مرحوم رکن الملک شعر نیز می‌سرود و خلف تخلص می‌کرد. رکن الملک برای تعلیم و تعلم اهمیت بسیار قائل بود و در زمان حیات خود هزاران نسخه از کتب مذهبی و انبی را چاپ کرد و به رایگان در اختیار مردم قرار داد. وی در سال ۱۳۳۱ ق در اصفهان درگذشت و در مجاورت مسجد و مدرسه‌اش در تخت فولاد به خاک سپرده شد.